وهابیت جدید

بسم الله الرحمن الرحیم

وهابیت جدید

نویسنده:

م.ن

ناشر چاپی:

Ansariyan

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

وهابیت جدید

مشخصات کتاب

نویسنده: م،ن

نشریه: فلسفه، کلام و عرفان » درسهایی از مکتب اسلام » تیر ۱۳۷۰، سال ۳۱ - شماره ۳

مقدمه

تاریخچه وهابیت جدید را در چهار دوران می‌توان خلاصه کرد [۱].

دوران اول

آغاز کار محمـد بن عبـدالوهاب تا حکومت نجـد محمـد بن عبدالوهاب در سـنه ۱۱۱۱ متولـد و در سـنه ۱۲۰۷ از دنیـا رفت و عمر طولانی حدود ۹۶ سال داشت. در آغاز از محضر درس جمعی از علمای مکه و مدینه استفاده کرد ولی از همان آغاز مطالبی بر زبان او جاری می‌شـد که اساتیـد و علمای صالحین نسبت به آینـده او بـدبین بودنـد، حتی پـدر و برادرش سـلیمان بن عبدالوهاب. او در شهرك عیینه متولـد شـد که از بلاد نجـد است، پـدرش در آن شـهر قاضـی بود و فقه حنبلی را از پـدر خود که از علمای حنبلی بود آموخت، می‌نویسـند: او از آغاز امر علاقه شدیدی به مطالعه تاریخ مدعیان نبوت مانند مسیلمه و سـجاح و اسود عنسـی و مانند اینها داشت. از محمـد بن عبـدالوهاب چهار فرزنـد باقیمانـد و عجب اینکه نام آنها حسن و حسـین و علی و بزرگترین آنها عبدالله بود که بعـد از پـدر بعضا برنامه‌های او را ادامه می‌دادنـد و از هر کـدام فرزنـدانی باقیمانـد که در شـهر درعیه از شـهرهای جنوبی حجاز در کویت سـکونت داشـتند و تا امروز نیز هستند و به نام اولاد شیخ معروفند. محمد از آغاز جوانی بسیاری از کارهای مردم نجد را (در زمینه توسـلات و نـذورات وماننـد آن نادرست می‌شـمرد و حتی هنگامی که برای زیارت خانه خـدا به مکه و سـپس به مدینه آمد، توسـل و اسـتغاثه مردم را در کنار قبر پیامبر مورد انکار قرار [صـفحه ۱۵] داد، او مـدتی به بصـره رفت و هنگامی که عقایـد خود را اظهـار نمود مردم به مخـالفت پرداختنـد و سـرانجام او را از شـهر بیرون کردنـد و چیزی نمانـده بود که در گرمای شدیـد بیابان میان بصـره و زبیر هلاك شود، سـرانجام نجات یافت و از قصد سـفر به شام منصرف شد و به «احصاء» رفت و سپس همراه پدر به حریمله از شهرهای نجد منتقل شد. و منازعات سختی میان او و مردم نجد بر اثر عقایدش رخ داد پدرش در سال ۱۱۵۳ از دنیا رفت و بعد از پـدر جرات بیشتری برای اظهار عقایـد و مخالفت با اعتقادات معمول مسـلمین پیـدا کرد. گروهی از افراد بی‌خبر اطراف او را گرفتند ولی مردم «حریمله» بر ضـد او قیام کرده و قصـد قتل او را داشـتند که از آنجا به عیینه گریخت و در آن وقت عثمان بن احمـد بر آن جا حکومت می‌کرد، محمـد بن عبدالوهاب او را به طمع حکومت نجد انداخت و به او قول داد که اگر از من حمایت کنی من از تو حمـایت خواهم کرد. عثمـان با او موافقت کرد و در عین حال عقایـد خود را کاملا آشـکار نمود و حتی قبری از زیـد بن خطاب در آنجا بود. اقدام به ویران سازی آن نمود خبر به سـلیمان امیر احصاء و قطیف رسـید، نامه‌ای به عثمان نوشت و دستور قتل او را صادر کرد ولی عثمان کاری انجام نـداد در اینجا محمد بن عبدالوهاب ناچار به درعیه رفت (همان شـهری که مرکز مسیلمه کذاب بود) و در آن هنگام محمد بن سـهود در آنجا حکومت می‌کرد شیخ محمد با او تماس گرفت و به او گفت اگر با عقاید او همراهی کند او را بر تمام سـرزمین نجد مسلط خواهد کرد. محمد بن سـعود قبول کرد و با او بیعت نمود و سپس به اهل نجد و روسا و قضات آنها نامه نوشت که از او اطاعت کنند، گروهی پذیرفتند و گروهی نپذیرفتند و در اینجا شـیخ محمد با کمك محمد بن سعود به جنگ با

آنها پرداخت (به عنوان اینکه مخالفانشان کافر و خارج از اسلامند جنگهای مکرری در اینجا رخ داد و سرانجام مخالفان شکست خوردند و تمام سرزمین نجد در زیر سیطره ابن سعود قرار گرفت و این در سال ۱۲۰۶ بود. چیزی نگذشت که محمد بن سعود از دنیا رفت و فرزندش عبدالعزیز به جای او نشست و دامنه جنگ و خونریزی مخالفان را به اقصی نقاط نجد رسانید. عبدالعزیز از دنیا رفت و فرزندش سعود بن عبدالعزیز به جای او نشست و او در عقاید وهابیان سرسخت‌تر و متعصب‌تر و بی‌رحم‌تر بود و هم او بود که مسلمانان را (به عنوان اینکه کافرند) از حج منع کرد و به شدت مخالفان را تکفیر می‌کرد. کوتاه سخن این که، محمد بن عبدالوهاب و آل‌سعود با کمک یکدیگر وهابیت را در آن سرزمین با خونریزی پیش بردند [صفحه ۱۶] سعودیان حکومت خود را به عنوان دین از طریق پیروی محمد بن عبدالوهاب تقویت نمودند و محمد بن عبدالوهاب عقیده‌ی خود را به وسیله شمشیر آل‌سعود پیش برد. و به این ترتیب سعود امیر حاکم بود و محمد رئیس مذهبی، و فرزندان آنها نیز این دو منصب را ادامه دادند، و کار به جائی رسید که از طریق گرفتن عشریه هم از اموال مردم و هم از نفوس مردم (از هر ده نفر یک نفر را به قید قرعه انتخاب و جزء لشگر خود قرار می‌داد) از این طریق اموال فراوانی جمع آوری کرد و لشگری بالغ بر صد و بیست هزار جنگجو فراهم ساخت. طرفداران این عقیده محدود به محیط حجاز نبودند، حتی امروز نیز بعضی از افرادی که ظاهرا در صف علماء اهل سنت‌اند، از غیر علماء نجد از آن حمایت می‌کنند این حمایتها گاهی انگیزه‌ی مبارزه با بدعتها و افراط در خرافات و گاه انگیزه مادی دارد، چرا که همه می‌دانیم امروز و دیروز وهابیان قلمهای بزرگی را برای جلب و جذب بعضی از علمای اهل سنت خرج کرده و می‌کنند و در این جهت موفقیتهائی نیز به دست آورده‌اند. احمد امین بدون اینکه ماخذی ذکر کند می‌گوید شیخ محمد در بسیاری از بلاد اسلامی گردش کرد چهار سال در بصره ماند و پنج سال در بغداد و یکسال در کردستان، دو سال در همدان به سر برد سپس به اصفهان آمد و از اصفهان به قم و از آنجا به بلاد خود بازگشت و حتی مسافرت به اسلامبول و هند را به او نسبت دادند ولی مدرک روشنی برای این مسافرتها در دست نیست. و به این ترتیب دوران اول وهابیان که دوران ظهور تا غلبه بر نجد بود، پایان یافت.

تحلیلها

۱ – محمد بن عبدالوهاب پایه‌ی کار خود را بر استفاده از حکام ظالم وقت و استفاده از شمشیر و تطمیع در زمینه‌ی گسترش قلمرو حکومت و توسعه منطقه‌ی نفوذ آنها گذاشت، زیرا با تجربه‌ای که در بصره و مدینه و سایر نقاط داشت که او را به خاطر افکار انحرافیش از شهر بیرون کردند و حتی گاه قصد کشتن او را داشتند، فهمید که از طریق تبلیغات زبانی هرگز کار او پیش نمی‌رود و باید متکی به منطق زور باشد. فرق است بین اینکه کسی انقلاب کند و حکومتی تشکیل دهد و با استفاده از تمام وسائل، آموزشی و پرورشی و وسائل ارتباط جمعی، مجلس قانونگزاری، وسائل و سرانجام نیروی نظامی در برابر دشمنان کینه توز و آنها که منافعشان به خطر افتاده، اهداف انقلاب را پیش ببرد، و کسی که تکیه بر حکام ظالم محیط کرده و به آنها قول همکاری دهد. [صفحه ۱۷] محمد بن عبدالوهاب روش دوم را انتخاب کرد، و همان حکام خودکامه‌ای که محصول آن محیط (به اعتقاد او منحط) برای پیشبرد مقاصد خود برگزید، چنین به نظر می‌رسد که محمد بن عبدالوهاب هرگز خود به فکر تشکیل حکومت نیفتاد و ترجیح می‌داد در کنار آن باشد، گویا استعداد آن را در خود نمی‌دید. ۲ – یکی دیگر از عوامل موفقیت و پایه‌های پیروزی محمد بن عبدالوهاب استفاده از جهل مردم محیط بود، در تاریخچه کوتاه گذشته که مربوط به مرحله‌ی اول قیام سرسلسله وهابیان بود، محمد نخست مدینه و بصره را برای نشر افکار خود انتخاب کرد و با عکس العمل علمای آگاه روبرو شد حتی قصد داشت به شام برود گویا تجربه بصره (و شاید آنچه درباره سرنوشت دردآلود ابن تیمیه شنیده بود) مانع از این سفر گشت، منصرف شد و به سراغ نقاط بسیار عقب افتاده مانند «عیینه» و «درعیه» و «حریمله» از سرزمین نجد که کمتر نام و نشانی در تاریخ و جغرافیای نجد داشتند و مردم آنجا عقب افتاده‌ترین و بیسوادترین مردم عربستان بودند، رفت. جالب است که اسلام دعوت خود را از مکه و مدینه مهمترین شهر

حجاز شروع می کند و «مسیلمه‌ها» و امثال او از درعیه (در بعضی از نقشه‌ها اصلا نامی از درعیه وجود ندارد و در المنجد جمعیت آن را دو هزار نفر می‌نویسد) از این گذشته مردم این سامان زندگی قبیله‌ای داشتند و کافی بود شیخ قبیله تمایل به سوئی پیدا کند و گروه زیادی را به دنبال خود بکشاند. ۳- عامل مهم دیگری برای پیشرفت «محمد بن عبدالوهاب» استفاده از خشونت بود، همان گونه که گفتیم مخالفان عقاید خود را مشرک می‌دانست و خون و اموال آنها را مباح می کرد و این مطلب را در عمل نشان داد و چنان وحشتی در محیط ایجاد کرده بود که حتی برادرش که مخالف با او بود از شهر خود فرار کرد تا در چنگال او گرفتار نشود. و چنانکه دیدیم حکام سعودی در بعضی از سالها به پیروی از تعلیمات او، مسلمانان را از حج خانه خدا منع کردند، و این دلیل آشکاری بود که با غیر پیروان خود معامله مشرک می کردند.

پاورقی

[۱] این تاریخچه عمدتا از کتاب «کشف الارتیاب» نوشته مرحوم علامه سید محسن الامین العاملی که از بهترین کتابها درباره وهابیان است و همچنین کتاب «وهابیان» نوشته آقای علی اصغر فقیهی و تاریخ نجد از محمود شکری آلوسی که خود یکی از طرفداران این گروه است گرفت شده و تحلیلهائی بر آن افزوده‌ایم.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فى سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی

ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از

پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹